

مبارزه کرده است. ستاد همگام با زحمتکشان جهت اداره روستاها برای تشکیل شوراهای که اعضای آن از صادقترین، فداکارترین و مورد اعتمادترین افراد انتخاب می‌شوند، کوشیده است. ستاد برای بازگرفتن هزاران هکتار زمین‌های غصبی که در رژیم سابق و به‌زور سرنیزه ژاندارم، پلیس، ساواک و بیدادگاه‌های ضد خلقی از دست زحمتکشان ربوده شده با روستائیان همگام شده است. کجای این کارها ضد انقلابی است و اصولاً چه کسانی از این اقدامات ستاد زیان دیده‌اند، خلق یا ضد خلق؟ زحمتکش یا خونخوار؟ انقلابی یا دشمنان انقلاب و وابستگان به رژیم سابق؟ ترتیب دهندگان جلسه فوق‌العاده یعنی کارگزاران تیمسار هادی و سیق، تیمسار قره‌باغی، تیمسار بدره‌ای معدوم، سروان جلالی، سپهبد کمبانی، سرهنگ اسفندیاری، امجدی (معاون نصیری معدوم)، هژبر یزدانی و دیگر همکارانشان که برای شعله‌ور کردن يك جنگ تحمیلی و برادرکشی دیگر در منطقه ترکمن صحرا از مسئولین امر طلب کمک و اسلحه جهت سرکوب زحمتکشان می‌کنند چه اهدافی را در سر می‌پروراندند؟ برای ما این سؤال مطرح است که چگونه افرادی این چنین، که تنها با فریب، دزدی، چالپوشی و در یوزگی قادر به زنده ماندن هستند، به‌خود اجازه می‌دهند دم از منافع خلق بزنند؟ چگونه این افراد که سالیان سال است همگام با سایر جلادان رژیم سابق به‌نابودی زحمتکشان ترکمن کمر بسته‌اند امروز به‌خاطر خلق ترکمن اشک تمساح می‌ریزند.

ما ضمن اعلام اینکه عواقب هرگونه اقدام ضد انقلابی متوجه این توطئه‌گران می‌باشد، از کلیه زحمتکشان و نیروهای مترقی می‌خواهیم برای خنثی کردن اعمال آنها هوشیاری بیشتری به‌خرج دهند.

نابود باد امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی
مرگ بر توطئه‌گران و نفاق‌افکنان
مستحکم باد شوراهای دهقانی

ستاد شوراهای منطقه آق‌قلا

۵۸/۳/۱۰



فصل چهارم

شرح زندگی شهدای خلق ترکمن

چگونه میلیون‌ها انسان زحمتکش اسیر دست سرمایه‌داران غارتگر می‌شوند و این آگاهی سئوال‌های بیشماری را برای او مطرح می‌ساخت که پاسخگویی به آنها نیاز به مطالعه بیشتر و کار بیشتر داشت.

پس از اخذ دیپلم وارد مدرسه عالی بازرگانی تهران گردید. در دانشکده وی جزو یکی از فعال‌ترین عناصر انقلابی به‌شمار می‌رفت و در تمام تظاهرات و اعتصابات دانشگاهی ضد رژیم فعالانه شرکت می‌کرد. علاوه بر فعالیت در محیط دانشگاهی، در تهران به‌متشکل ساختن نیروهای روشنفکر ترکمن همت گماشت و بدون خستگی و با پیگیری انقلابی این کار را دنبال کرد.

رفیق قربان در دوران دانشجویی رفقایش را آرقا صدا می‌کرد (آرقا در زبان ترکمنی مترادف رفیق می‌باشد) به‌همین جهت خودش به آرقا شهرت یافته بود. بعد از اتمام دانشکده به‌خدمت نظام رفت. او در پادگان‌های ارتش ضدخلقی نیز دست از فعالیت نکشید، تا اینکه انقلاب رهائی‌بخش خلق‌های ایران موفق شد رژیم منفور پهلوی را نابود سازد، بعد از قیام مسلحانه خلق (بهمن ۵۷) رفیق آرقا بلافاصله خودش را به‌رفقای فدائی خلق ترکمن رساند تا با تمام نیرو همگام با فدائیان در راه احقاق حقوق حقه خلق ترکمن مبارزه را تا رسیدن به پیروزی نهائی ادامه دهد. او یکی از اعضای موثر ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن صحرا بود و در راه آرمان کارگران و دهقانان زحمتکش فداکاری‌ها، و تلاش‌های انقلابی او بی‌همتاست.

رفیق آرقا این رزمنده فدائی خلق ترکمن دشمن سرسخت طبقاتی زمین‌خواران و وابستگان سرمایه‌داری بوده تلاش شبانه روزی او از ابتدای تأسیس ستاد سرمشق تمامی رفقای رزمنده‌اش می‌باشد. آرقا در تدوین و تنظیم برنامه‌های ستاد نقش بسیار حساس و عملی داشت. او به آرمان‌های دموکراتیک خلق‌های ایران و به‌ویژه خلق ترکمن عشق می‌ورزید و زندگی‌اش را فدای تحقق آن نمود.

درود بر تمام شهدای فدائی خلق ترکمن
جاودان باد خاطره تمام شهدای به‌خون خفته خلق



فدائی خلق ترکمن رفیق شهید قربان شفیقی

رفیق قربان شفیقی در حدود ۲۵ سال پیش در بندر ترکمن در يك خانواده فقیر و زحمتکش در میان انبوهی از فلاکت‌ها دیده به‌جهان گشود. چون نام پدر بزرگش را بر وی نهادند طبق سنت خلق ترکمن دوستان و یاران نزدیک او را کاکا صدا می‌زدند در سن هشت سالگی بر اثر فشار نداری و گرسنگی والدینش مجبور به ترک زادگاه خود شدند، و در جستجوی کار همانند صدها خانوار ستم‌دیده و تاراج شده ترکمن به‌گنبد کوچیدند.

رفیق کاکا تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در این شهر گذراند، وی در تمام طول تحصیلات خود جزو شاگردان ممتاز بود. در سال دوم دبیرستان بود که مادرش دیده از جهان فرو بست و او را با پدر تکیده و خواهر زجرکشیده‌اش تنها گذاشت، مرگ زودرس مادر او که معلول فقر و مشقت‌های جامعه طبقاتی لبریز از بی‌عدالتی بود، وی را در فعالیت‌های روزمره زندگی جدی‌تر و کوشاتر نمود. در طول این پیکار سرسختانه با مشکلات زندگی، آگاهی او به‌ماهیت نظام جامعه‌ای که براو و میلیون‌ها رنجبر مثل او حکومت می‌کرد بیش‌تر می‌شد، با مطالعه پیگیر کتب اجتماعی و سیاسی، آگاهی‌اش شکل می‌گرفت و دیگر نیک می‌دانست که

رازنده کرد و به جوانان راه مبارزه را آموخت و اکنون رفیق جلیل چراغی است پر نور که راه رزمندگان خلق ترکمن را روشنایی می‌بخشد.

خاطره‌ات جاودان باد رفیق جلیل جاودان باد خاطره همه شهدای به خون خفته خلق



فدائی خلق ترکمن رفیق آنه بردی سرافراز

رفیق آنه بردی سرافراز فدائی خلق ترکمن در سال ۱۳۳۶ در روستای آق آباد در چند کیلومتری گنبد در خانواده‌ای ستم‌دیده چشم به جهان گشود. به دنبال اصلاحات ارضی فرمایشی که تنها ارمغان آن فقر و بدبختی بیشتر برای تمام دهقانان بود، بر اثر از دست دادن قطعه زمین مزروعی خانواده خود برای یافتن کار به اتفاق خانواده‌اش روانه گنبد گشت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در گنبد به اتمام رسانید. رفیق آنه بردی سرافراز پس از اخذ دیپلم به خدمت نظام وظیفه اعزام شد. وی وقتی از جریان برخوردهای نظامی تحمیلی به خلق ترکمن و هجوم مسلحانه ضدانقلاب به میتینگ مسالمت‌آمیز مردم ترکمن مطلع گشت بی‌درنگ پادگان را ترک کرده، به دیگر رفقای خود پیوست و نام خود را در تاریخ خلق ترکمن جاودان ساخت، یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره فدائی شهید آنه بردی سرافراز
نابود باد توطئه‌های زمینداران بزرگ



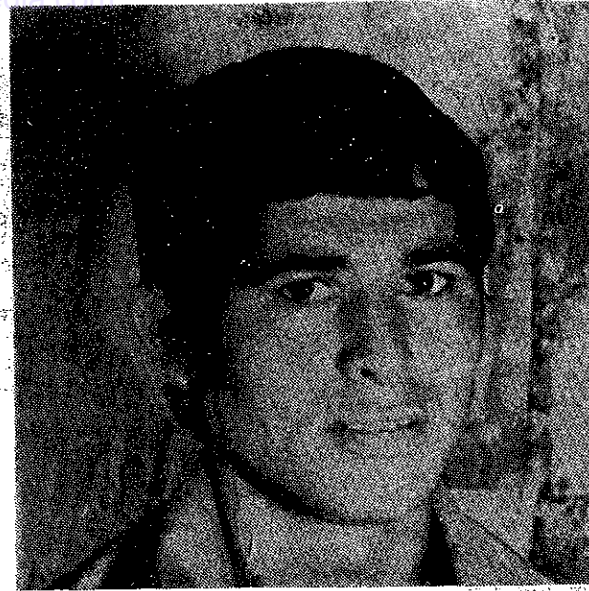
راه فدائی خلق ترکمن رفیق شهید جلیل عرازی ادامه دارد

رفیق جلیل در زندگی انقلابی هدفی بس عالی داشت و هر لحظه حیاتش در فکر تحقق این هدف بود، هدفی انسانی که آزادی خلق را نوید می‌دهد و فدای روشنی را به ارمغان می‌آورد. صدای رسای رفیق جلیل با شعرهای (بیرلشمک، چالشماف، اوستین ینگیش قازانماق) و (فدائی، فدائی، یول گورکزن فدائی) در شهر بندر ترکمن طنین می‌انداخت. مشتهای گره کرده او هر لحظه آماده بود تا بر پوزه کثیف دشمن فرود آید.

می‌گفت با دشمن نباید مدارا کرد، باید قاطعانه عمل کرد سرسختانه با آنان وارد مبارزه شد. او یکپارچه شور انقلابی بود و انرژی انقلابی لایزالی در او نهفته بود.

فرصت‌طلبان و مرتجعین را افشا می‌کرد و بر آنان بی‌محابا می‌تاخت. در نتیجه همین سرسختی، فرصت‌طلبان و عناصر نامطلوب علیه او و رفقایش بسیج شده بودند و بر ضد آنان تبلیغ می‌کردند، و برچسب‌هایی می‌زدند. ولی رفیق جلیل با آگاهی به این امر که ارتجاع با استفاده از تفرقه و شکاف میان مردم به سود خود عمل می‌کند، آنان را رسوا می‌کرد و نقشه‌های پلید ضدانسانی آنان را نقش بر آب می‌ساخت. او زندگی را وقف خلق ترکمن کرده بود، وقف رهائی خلق‌های ایران. می‌گفت راه من راه فدائی است و همیشه سرود (رزم چریک‌ها فدائی خلق رزم ماست - آری رهائی خلق عزم ماست) ورد زبانش بود.

او با خون پاک خود نهال آزادی خلق ترکمن را آبیاری کرد و لاله‌ای دیگر بر خاک پاک ترکمن صحرا نشاند. او نام از یاد رفته خلق ترکمن.



کارگر شهید فدائی خلق ترکمن رفیق بهرام آقاآتابای

رفیق بهرام ۲۲ سال پیش در خانواده‌ای فقیر در قانقرم یا بدینا نهاد. کودکی خود را مانند میلیون‌ها کودک تهیدست دیگر در میان گرد و خاک و گل و لای گذراند. به‌خاطر نداری نتوانست بیشتر از دو کلاس بخواند. در ۱۲ سالگی مادر خود را از دست داد. رفیق بهرام معروف به دادو بود. پدر وی یک دهقان بی‌زمین بود و مجبور بود برای گذران زندگی در زمین‌های دیگران به‌کار پردازد و تحت شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی استعمارگر جامعه ایران به‌صورت خوش نشین زندگی کند. به‌این ترتیب دادو در دامان فقر و نداری بزرگ شد و با درد و فقر خو گرفت. رفیق بهرام در ۱۹ سالگی در جستجوی نان به‌تهران رفت و در آنجا شاگرد جوشکار شد. با هفته‌ای ۲۰ تومان شروع به‌کار کرد و با این مزد ناچیز مقداری هم برای خانواده خود می‌فرستاد. رفیق بهرام در ضمن کار کردن در سخنرانی‌های دانشگاه‌ها شرکت می‌کرد و سعی داشت که با روشنفکران پیشرو تماس و هم‌نشینی داشته باشد و بدینوسیله در بالا بردن شعور سیاسی و اجتماعی خود می‌کوشید. رفیق به‌خاطر اینکه از طبقه زحمتکش بود و درد و رنج‌های طبقه خود را به‌خوبی می‌شناخت، افکار و اهداف خود

را در جهت مبارزه با رژیم سزسپرده بهلوی در سازمان پرافتخار چریک‌های فدائی خلق ایران متبلور دیده از این رو به‌طور فعال از سازمان حمایت می‌کرد و بعد از ایجاد کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن برای دفاع از حقوق ملی و خواست‌های زحمتکشان منطقه فه‌رمانانه به‌صفوف رزمندگان فدائی خلق ترکمن پیوست و در روز هشتم فروردین ۵۸ جان خود را فدا نمود.

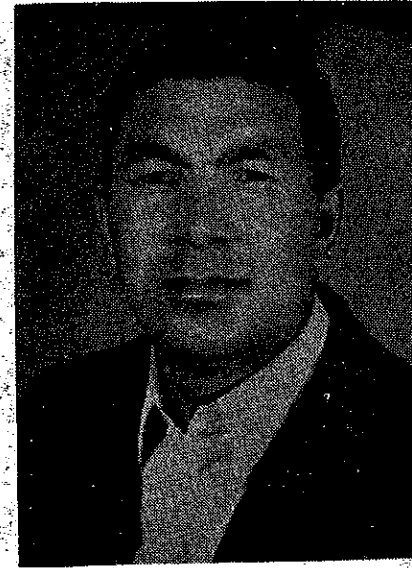
ای به‌خون خفته دوران نبرد، ای شهید گلگون کفن خلق،
درد بر تو

فدائی خلق ترکمن رفیق شهید بردی محمدکوسه غراوی

رفیق بردی کوسه غراوی (بردیجان) در سال ۱۳۳۳ در آق توقوی به‌دنیا آمد. در اوان طفولیت پدرش را از دست داد و پس از آن عمویش تربیت رفیق و برادرانش را به‌عهده گرفت. رفیق از همان ابتدا با فقر شدید روبرو گشت. بدین جهت نتوانست به‌تحصیل پردازد او مدت‌ها چوپانی می‌کرد و گوسفندان ملاکین را به‌چرا می‌برد و در این دوران ستم وارده به‌مردم زحمتکش را از نزدیک لمس می‌کرد.

در جریان جنگ تحمیل شده به‌خلق ترکمن به‌صف مبارزین پیوست و به‌وظایف خود عمل نمود. پس از برقراری آتش بس، هنگامی که رفیق برای انجام کاری به‌محله ترک آباد رفته بود، توسط ضدانقلاب دستگیر و ناجوانمردانه تیرباران شد.

مرگ بر توطئه‌گران و جنگ افروزان
گرامی باد خاطره شهدای به‌خون خفته خلق



رفیق شهید یعقوب اوتق

رفیق یعقوب در قریه سیجوال در يك خانواده فقیر چشم به دنیا گشود. سه ساله بود که پدرش را از دست داد و از همان کودکی با فقر آشنا شد. او تا کلاس پنجم ابتدائی تحصیل کرد و چون تنها فرزند خانواده بود برای گذران زندگی مجبور به ترك تحصیل گشت. اوایل با گاری از جنگل هیزم می آورد و بعد راننده تراکتور و کمباین شد و تا آخر عمر با این شغل زندگی کرد. رفیق چون راننده بود بیشتر اوقاتش را در دشت و صحرا می گذراند. او از نزدیک زندگی فلاکت بار و رنج محنت های روستائیان را مشاهده می کرد و از آن رنج می برد، رفیق از ملاکین بزرگ و کسانی که چنین زندگی محنت باری را بر روستائیان تحمیل کرده بودند به شدت نفرت داشت. در جریان برخوردهای نظامی گنبد که از جانب ضد انقلاب به خلق ترکمن تحمیل گشت، رفیق به صف مبارزین پیوست و در روز چهارم جنگ به وسیله عوامل ضد انقلاب به شهادت رسید.

درد بر رفیق شهید یعقوب اوتق
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق های ایران



رفیق شهید کارگر
حاجی محمدآخوندی

رفیق شهید حاجی محمدآخوندی در دهم شهریور ماه ۱۳۳۲ چند روز بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، هنگامیکه پدرش به علت عضویت در حزب توده تحت تعقیب و متواری بود در بندر ترکمن چشم به دنیا گشود. به علت فعالیت سیاسی پدرش مدتی از دوران کودکی را در تهران گذراند، بعد از مدتی به همراه خانواده به ترکمن صحرا بازگشت. رفیق دوره دبستان را در بندر ترکمن گذراند پس از آن به همراه خانواده به گنبد رفت. رفیق تا کلاس چهارم دبیرستان تحصیل کرد و سپس تحصیل را رها نمود و در يك کارگاه دینام سازی مشغول کار شد. در سال ۱۳۵۱ به خدمت سربازی رفت. بعد از تمام شدن مدت نظام وظیفه مجدداً در کارگاه دینام سازی شرع به کار کرد. رفیق که در يك خانواده سیاسی پرورش یافته و مطالعه زیادی می کرد و خود زندگی کارگری را لمس کرده بود، عشق فراوانی به طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان داشت. رفیق اعتقاد داشت که بدون رهبری طبقه کارگر امکان پیروزی کامل انقلاب وجود ندارد. رفیق در اکثر فعالیت ها و اجتماعات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی شرکت می کرد. در جریان يك راه پیمائی بر علیه رژیم شاه، رفیق توسط مزدوران رژیم دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفت.

رفیق شهید در روز میننگ با شکوه خلق ترکمن در ۶ فروردین در همان ابتدای حمله مسلحانه ضد انقلاب، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در راه آرمان خلق های ستم دیده شهید شد.

درد بر رفیق شهید حاجی محمدآخوندی
مستحکم باد همبستگی سراسری همه خلق های ایران